

Bedrock of Slips of Spiritual Health in Nahj al-Balaghah

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Nasibeh Yadollahpour¹
Mohammad Hadi Yadollahpour²
Mohammad Hadi Amin Najji^{3*}

How to cite this article

Nasibeh Yadollahpour, Mohammad Hadi Yadollahpour, Mohammad Hadi Amin Najji, Bedrock of Slips of Spiritual Health in Nahj al-Balaghah, *Islamic Life Style*. 2023; 6(4):167-175

1. PhD student in Nahj al-Balagheh, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Islamic Education, Department of Islamic Studies, School of Medicine, Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health, Babol University of Medical Sciences

3. Associate Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: aminnaji@pnu.ac.ir

Article History

Received: 2022/03/15
Accepted: 2022/09/03

ABSTRACT

Purpose: Undoubtedly, slips of spiritual health are diseases and abnormal injuries that cause disorders, disorders and social disorders and lead to degeneration, oppression and regression of society, which are usually Every human community, large and small, is struggling with these plagues and slips.

Methodology: This study is based on the Holy Quran and Nahj al-Balaghah and authentic hadith books by research, analytical-descriptive method.

Findings : Imam Ali (pbuh) lived in the atmosphere of that day in Kufa and its environs with various ups and downs and various challenges with various people, and with his divine and indefatigable personality about the examples of slips, causes, and ways to deal with They have mentioned extensive and instructive material in Nahj al-Balaghah and Gharr al-Hakam and in Dar al-Kalam with their expression and expression, which in this article have components such as: arrogance and self-magnification, misplaced prejudices, aggression, narcissism, Superstition, restriction of liberties and tyranny have been obtained and presented.

Conclusion: The present study showed that the slips of spiritual health in the words of Amir al-mu'minin Ali (as) can be used as a complete model of a healthy spiritual life for the pathology of spiritual health to reform humanity.

Keywords: Ali (AS), Nahj Al-Balaghah, Slippery Slopes, Spiritual Health

نغزشگاه‌های سلامت معنوی از منظر نهج‌البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

*نویسنده مسئول: aminnaji@pnu.ac.ir

مقدمه

می‌توان ادعا نمود که در تاریخ بشر، امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام شخصیت بی‌نظیری است که مردمی چندچهره و سست عنصر را در برهه‌ای از دوران حکومتش تجربه کرده و رفتار مردم زمانه‌اش را به خوبی تحلیل نموده است. یکی از مواردی که در این حوزه از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و نقش‌آلایی در رشد و تعالی منش اخلاقی انسان دارد، شناخت آسیب‌ها و آفات سلامت معنوی و نیز شناخت جایگاه‌های آسیب‌پذیر معنوی است؛ منظور از نغزشگاه موضوعی است که امکان سقوط معنوی بیشتر است و انسان در آن موقعیت خاص در معرض گزند و آسیب‌ها قرار می‌گیرد. در واقع نخستین گام در سلوک معنوی شناخت نغزشگاه‌هایی است که هواهای نفسانی و وسوس شیطانی برای انسان ایجاد می‌کنند و از طریق آن انسان را به ورطه‌ی انحراف و تباهی می‌افکنند. از این رو بحث از مولفه‌های نغزشگاه‌های سلامت معنوی، موضوعی است که در حوزه اخلاق دارای اهمیت بوده و نقش مؤثری در اصلاح و بهبود شخصیت اخلاقی انسان‌های جامعه دارد. این امر، نیاز به بحث و پژوهش‌های پردامنه و گسترده را دوچندان می‌سازد.

در فرهنگ لغت به هر پدیده‌ای که مایه تباهی و فساد چیزی شود، آسیب یا آفت گفته می‌شود. (۱) بر اساس این فرموده امام علی علیه‌السلام که "لکل شیء آفة" (۲) اجتماع بشری نیز از این امر مستثنی نیست و پدیده‌ای است که در معرض آسیب‌ها قرار می‌گیرد، این آسیب‌ها در موقعیت و شرایط مختلف متفاوت می‌باشند. با قطع نظر از این موقعیت‌ها و شرایط شاهد لطمه‌ها و خطراتی هستیم که یک اجتماع سالم را تهدید و در نهایت بازدهی و اثر مطلوب آن را کاهش می‌دهد. آسیب و آفات نیز برای همه اجتماعات بشری مصداق دارد؛ چه اجتماعی کوچک باشد و چه اجتماع بزرگ اما نغزش‌های معنوی مانند خیانت به هم‌بیمانان، تفرقه و گسستگی اجتماعی، تجمل‌گرایی، تملق و چاپلوسی، فدا کردن حق به پای مصلحت و... چالش‌ها و مشکلاتی از این قبیل فراوان در نهج‌البلاغه بحث و تشریح شده‌اند. (۳)

این پژوهش بر آن است تا با شناسایی دقیق نغزشگاه‌های سلامت معنوی مطرح شده در نهج‌البلاغه، با اجرای دستورات و رهنمودهای آن امام همام، جامعه‌ای سالم به دور از نغزش‌های معنوی شکل گیرد. از آنجا که آسیب‌ها و نغزش‌های معنوی به طور چشمگیری با آسیب‌ها و نغزش‌های فردی در ارتباط می‌باشند و جامعه نیز از افراد تشکیل می‌شود، بنابراین برخی نغزش‌هایی که برای یک‌ایک افراد جامعه مطرح می‌باشند را می‌توان برای کل جامعه نیز تسری داد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه با تکیه بر قرآن کریم و نهج‌البلاغه و غررالحکم و درر الکلم و کتابهای معتبر حدیثی و نرم افزارهای حدیثی و مقالات علمی - پژوهشی، به روش تحقیق، تحلیلی - توصیفی انجام شده است.

نسبیبه یدالله پور^۱

دانشجوی دکتری معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

محمد هادی یدالله پور^۲

دانشیار، گروه معارف اسلامی و دانشیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

محمد هادی امین ناجی^{۳*}

دانشیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: بی‌تردید نغزشگاه‌های سلامت معنوی، بیماری و آسیب‌های غیرعادی هستند که اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی اجتماعی را باعث گشته و منجر به انحطاط، ظلم و پس‌رفت جامعه می‌شوند که معمولاً هر اجتماع کوچک و بزرگ انسانی با این آفت‌ها و نغزش‌ها دست به‌گریبانند. پژوهش حاضر تلاش دارد تا به بسترسازی نغزشگاه‌های سلامت معنوی در سخنان امیرالمومنین علی (ع) بپردازد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با تکیه بر قرآن کریم و نهج‌البلاغه و کتابهای معتبر حدیثی به روش تحقیق، تحلیلی - توصیفی انجام شده است.

یافته‌ها: امام علی علیه‌السلام، در فضای آن روز کوفه و اطراف آن با فراز و فرودها و چالش‌های متعدد با مردمی متنوع، روزگار گذراند و با شخصیت الهی و خستگی‌ناپذیرش در باب مصادیق نغزش‌ها، علل، و راه‌های مقابله با آن‌ها مطالب گسترده و راهگشایی را در نهج‌البلاغه و غررالحکم و درر الکلم با بنان و بیان خویش اشارت نموده‌اند، که در این نوشتار مولفه‌هایی چون: تکبر و خود-بزرگ‌بینی، تعصب‌های بیجا، پرخاشگری، خودشیفتگی، خرافه‌گرایی، تحدید آزادی‌ها و استبداد ورزی به دست آمده و ارائه شده‌است.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر نشان داد که نغزشگاه‌های سلامت معنوی در کلام حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام را می‌توان، به عنوان الگوی کامل زندگی سالم معنوی، برای آسیب‌شناسی سلامت معنوی برای اصلاح بشریت استفاده نمود.

کلیدواژه‌ها: علی (ع)، نهج‌البلاغه، نغزشگاه، سلامت معنوی

یافته‌ها

شخصیت آدمی در طول زندگی در معرض لغزش‌های اخلاقی و رفتاری قرار می‌گیرد که سلامت معنوی انسان را تهدید می‌کند. بیان مولفه‌های لغزش‌گاه‌ها در کلام حضرت علی (ع) در مانع‌زدایی برای سلامت معنوی راهگشا خواهد بود. از آنجا که مولفه به معنای عناصر و اجزای تشکیل دهنده هر چیز است پس منظور از مولفه‌های لغزش‌گاه‌های سلامت معنوی در این مقاله، لغزش‌گاه‌هایی است که سلامت معنوی را در حوزه اخلاق و رفتار تهدید می‌کند. لغزش‌گاه‌هایی چون تکبر، سوءظن، زهدفروشی، خرافه‌گرایی و... که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۱-۲. تکبر

کبر به معنای خودبرتربینی و سرکشی است، یعنی برتر دانستن خویش و کوچک شمردن و تحقیر دیگران. و (كَذَلِكَ يَطِغُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ) (۴ غافر/ ۳۵) بلی این گونه خدا بر دل هر متکبر خود کامه‌ای مهر (شقاوت) می‌زند (که با سعادت خود دشمن می‌شود).

تکبر بیان احساس حقارت درونی افراد به شیوه واکنشی است کسانی که نوعی خودکم‌بینی در وجودشان احساس می‌کنند برای تلافی و یا پنهان کردن آن به تکبر و خودبرتربینی روی می‌آورند. قرآن کریم در سوره نحل آیه ۲۹ با مقوله تکبر و نمودهای آن برخورد جدی دارد و به فرجام ناگوار متکبران هشدار می‌دهد: (فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ) (۴) پس (فرشتگان خطاب کنند که) از هر در به دوزخ داخل شوید که در آنجا همیشه معذب خواهید بود. و جایگاه متکبران (که دوزخ است) بسیار بد منزلگاهی است.

امام علی علیه‌السلام در خطبه ۱۹۲ به تکبر و تفاخر اشاره و از آن بر حذر می‌دارد: "فَاللَّهِ اللَّهُ فِي كِبَرِ الْحَمِيَّةِ وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَأَ قِحَ السَّنَانِ وَ مَنَافِعَ الشَّيْطَانِ الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْمَاضِيَةَ وَالْقُرُونَ الْخَالِيَةَ" (۵)

خدا را! خدا را! بپرهیزید از بزرگی فروختن از روی حمیت و نازیدن به روش جاهلیت که حمیت زادگاه کینه است و شیطان را دمدمه جای دیرینه که بدان امت‌های پیشین را فریفت و مردمان را در روزگاران دیرین.

اولین نتیجه خودپرستی، دوری از اندیشه‌ی حقیقت‌طلبانه و حق‌محورانه است و انسان متکبر وقتی حق را مخالف با تمایلات خود ببیند از آن سرباز خواهد زد و با وجود علم به حقانیت آن، به هر روشی در صدد توجیه آن، بر می‌آید که شاهد مثال این مؤلفه در زمان انتقال خلافت پس از وفات پیامبر اکرم (ص) است که حضرت علی (ع) در خطبه ۳ می‌فرماید: "أَمَّا وَاللَّهِ لَتَدَّ تَمَمَّصَهَا فَلَانُ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلَّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى" (۵) هان به خدا سوگند! فلان _جامه‌ی خلافت را پوشید و می‌دانست خلافت جز مرا نشاید که آسیا سنگ تنها گرد استوانه به گردش در آید. و نیز در پاسخ به توجیه فریض در سقیفه در مورد غضب خلافت که گفته بودند: ما از درخت رسالتیم در خطبه ۶۷ فرمودند: "احْتَجُّوا بِالشَّجَرَةِ وَ أَصَاغُوا الثَّمَرَةَ" (۵) حجت آوردند که درختند و خلافت را بردند و خاندان رسول را که میوه‌اند تباہ کردند.

جان مایه‌ی هویت قبیله‌ای که سیاست حاکم بر همه‌ی قبایل عرب جاهلی در ساخت قدرت بود عنصر عصیبت بود و چنان این عنصر در ساخت درونی قبیله به هم پیوند خورده بود که همه‌ی اعضا خود را مکلف می‌دانستند با جان و مال خود از حریم آن دفاع کنند. و شعارشان «أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» بوده که این شعار مبین میزان عقلانیت و حق‌محوری اعراب جاهلی است. آنچه که آتش عصیبت را شعله‌ورتر می‌کند پایین بودن سطح اندیشه‌ورزی و پیروی کورکورانه افراد از بزرگان متکبرشان است، امیر مؤمنان (ع) خطبه ۱۹۲ می‌فرماید: "أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبَرَاتِكُمْ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفَعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَ أَلْقَوْا الْهَجِينَ عَلَى رَبِّهِمْ" هان بترسید بترسید از پیروی مهتران و بزرگانتان که به گوهر خود نازیدند و نژاد خویش را برتر دیدند و نسبت آن عیب را بر پروردگار خود پسندیدند (۵). از دیگر آفات تعصبات کور، امتیازدهی به خویشان است. و از تعصبات قومی و قبیله‌ای نشأت می‌گیرد. سیاست مشهور خلیفه سوم در بعد سیاسی و اقتصادی همین مسئله بود که شواهد تاریخی مؤید این مطلب است. (۶)

پیامبر اکرم (ص) برای رسیدن افراد به سلامت معنوی این روحیه عصیبت و تفکر ناسیونالیستی افراطی را تعدیل کردند و در صدد حذف آن برنیامدند اما پس از وفات ایشان در ماجرای سقیفه باز هم شاهد تولد دوباره روحیه عصیبت افراطی هستیم و نیز در عملکرد سیاسی و اقتصادی سه خلیفه اول این تفکر نهادینه شد.

۲-۲. سوءظن

برای تعریف و بیان ماهیت سوءظن لغویان آورده‌اند که سوء به معنای بدی، زشتی، آفت و بلا می‌باشد. ظن نیز به گمانی گویند که احتمال ثبوت بر نفی اش ترجیح داشته باشد. راغب اصفهانی می‌گوید: ظن احتمال راجح است که به وسیله‌ی امارات حاصل می‌شود و دارای مراتب مختلفی است. (۷) ظنون را به چاهی گویند که نمی‌دانند آیا در آن آب هست یا نه. (۸)

مسئله ظن در قرآن و روایات به کار رفته است. خداوند در مورد ظن در سوره حجرات آیه ۱۲ می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ) (۴) ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است.

علامه طباطبایی در المیزان در ذیل این آیه می‌نویسد: مراد از اجتناب از ظن، اجتناب از خود ظن نیست چون ظن خود نوعی ادراک نفسانی است و در دل باز است، ناگهان ظن در آن وارد می‌شود و آدمی نمی‌تواند برای نفس و دل خود دری بسازد تا از ورود ظن بد جلوگیری کند پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست مگر آنکه از پاره‌ای از مقدمات اختیاری آن نهی کند، پس منظور از آیه مورد بحث نهی از پذیرفتن ظن بد است، می‌خواهد بفرماید اگر درباره کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر مده. (۹)

صاحب قلب سلیم سوءظن را از گناهان قلبی و بیماری‌های روانی می‌داند که خود سبب بسیاری از گناهان دیگر نیز می‌شود. در معنای سوءظن آورده است که هر گفتار یا کرداری که از دیگری شنیده یا دیده می‌شود اگر به‌طور آشکار و یقینی باشد، صحیح و جایز است در غیر این صورت قابلیت حمل بر صحت نخواهد داشت و ترتیب

اثر دادن به آن باور و ایجاد بدبینی نسبت به فرد مسلمان، مرتکب حرام شده است. (۱۰) حضرت علی ع سوء ظن را آفت دین می‌داند (۲) که با وجود آن دین نمی‌ماند. (۲)

در منابع اسلامی سوء ظن انواعی دارد، بدبینی انسان نسبت به خدا، مردم، ائمه معصومین ع و..

در آیه ۳ آل عمران در مورد گروهی سخن به میان آمده که به خدا گمان بد بردند و خداوند آن را ظن جاهلیت نامید. صاحب التحقیق این ظن ناشی از جاهلیت را وجود انسان جاهل و محروم از معارف خداوند متعال می‌داند. (۸) در مورد بدبینی نسبت به مردم، امیرالمومنین ع شرایط جامعه را نیز در نظر می‌گیرند: "إِذَا اسْتَوَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلُهُ ثُمَّ آسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَظْهَرْ مِنْهُ حَوْبَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ وَ إِذَا اسْتَوَى الفَسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلُهُ فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّرَ" چون نیکوکاری بر زمانه و مردم آن غالباید و کسی به دیگری گمان بد برد که از او فضیحتی آشکار نشده، ستم رده است و اگر بدکاری بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری گمان نیک برد خود را فریفته است. (۵)

سوء ظن یک بیماری روانی و قلبی است که بر سلامت معنوی و جسمی فرد و جامعه تاثیر می‌گذارد.

امیرالمومنین ع برخی بیماری‌های اخلاقی و قلبی را نام می‌برند که ریشه‌ی آن سوء ظن به خداست. "فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزَ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ" بخل و ترس و آز سرشت‌هایی جدا جداست که فراهم آورنده‌ی آنها بدگمانی به خداست. (۵)

بنابراین یکی از آثار سوء ظن ابتلا به دیگر بیماری‌های قلبی است که تبعاتش زندگی فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. حضرت علی ع این سخن را در توصیه به مالک اشتر برای انتخاب مشاور بیان فرمودند؛ حال حضرت علی ع به مالک اشتر و هر شخصی که در طول تاریخ در جایگاه حاکم و والی قرار می‌گیرد توصیه به خوش بینی نسبت به شهروندان می‌کند: "فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرَعِيَّتِكَ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنْكَ نَصَبًا طَوِيلًا وَ إِنْ أَحَقَّ مِنْ حَسَنِ ظَنِّكَ بِهِ لَمَنْ حَسَنَ بِلَاؤِكَ عِنْدَهُ وَ إِنْ أَحَقَّ مِنْ سَاءِ ظَنِّكَ بِهِ لَمَنْ سَاءَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ"

پس رفتار تو چنان باید که خوش گمانی رعیت برایت فراهم آید که این رنج دراز را از تو می‌زداید و به خوش گمانی تو آن کس سزاوارتر که از تو بدو نیکی رسیده و بدگمانی‌ات بدان بیشتر باید که از تو بدی دیده. (۵)

در این عبارت از کلام امیرالمومنین علیه السلام دو نکته مورد تاکید است اول اینکه حسن ظن رنج مداوم را از زندگی انسان می‌برد، پس سوء ظن رنجی است مداوم برای انسان، که این سخن حضرت علی ع را می‌توان با کلام دیگر ایشان که در غررالحکم آمده، بهتر درک کرد:

"من لم يحسن ظنه استوحش من كل أحد. هر که نیکو نگرداند گمان خود را وحشت کند از هر کس" (۲)

بنابراین ترس و تنهایی نتیجه‌ی قطعی سوء ظن است که رنجی است مداوم برای شخص بدبین، و نکته دوم آنکه برای خوش بینی یا بدبینی نسبت به افراد باید آنها را آزمود.

یکی از موارد سلامت معنوی داشتن حس امنیت نسبت به اطرافیان است، از کلام حضرت امیر ع اینگونه برداشت می‌شود که

خوش بینی حس امنیت در پی دارد از سویی سوء ظن و عدم امنیت نسبت به اطرافیان زمینه ساز حس تنهایی خواهد بود و منجر به کناره گیری از اشخاص می‌شود، طبق کلام حضرت علی (ع) در خطبه ۱۲۷ " فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الغَنَمِ لِلذَّبِّبِ " آنکه که از جمع مسلمانان به یک سو شود بهره‌ی شیطان است چنانچه که گوسفند چون از گله دور ماند نصیب گرگ بیابان است. (۵) و نیز در خطبه ۱۹۲ می‌فرماید: " فَأَحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَدِّيَكُمْ بِدَائِهِ " بندگان خدا بپرهیزید این که شیطان شما را به بیماری خود مبتلا گرداند. (۵)

از مجموع این سخنان می‌توان نتیجه گرفت که سوء ظن منجر به تنهایی و کناره گیری فرد از اجتماع می‌شود و انسان جدا از اجتماع طعمه‌ی شیطان خواهد بود و شیطان از این طریق می‌تواند فرد را به بیماری خود مبتلا کند و بر سلامت معنوی فرد تاثیر بگذارد.

زهده فروشی

زهده فروشی از جمله پدیده‌های جامعه‌ی عقب مانده و جاهلی است نشان از عدم سلامت معنوی دارد که افراد به نام دین و در لباس عبادی و دینداری ظاهر می‌شوند و موجب انحراف دیگران می‌شوند. حضرت (ع) وقتی به بیان اقسام مردم می‌پردازد در توصیف این دسته می‌فرماید: " وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ حَطْوِهِ وَ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ وَ زَحَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلآمَانَةِ وَ اتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمُعْصِيَةِ " آن که با کاری که آخرت راست، دنیا را جوید و بدانچه در دنیا کند، راه آخرت را نپوید، تن آسان و آسوده خیال، آرام، گام بردار و دامن به کمر در آرد با زیور دروغین خویش از امین مردم شناساند و پرده پوشی خدا را وسیله معصیت گرداند. (۵)

حاصل این نفاق، انحراف انسان‌هایی است که بدون ملاک و معیار، عملکرد اشخاص را در شناخت حق و باطل مبنی قرار می‌دهند. حضرت علی (ع) در پاسخ به حارث بن حوث که معتقد بود اصحاب جمل گمراه نیستند فرمود: " يَا حَارِثُ إِنَّكَ تَنْظُرُ تَحْتَكُ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَحِرَّتْ إِنَّكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفُ مَنْ آتَاهُ وَ لَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفُ مَنْ آتَاهُ " ای حارث! تو کوتاه بینانه نگرستی نه عمیق و زیرکانه و سرگردان ماندی. تو حق را نشناخته‌ای تا بدانی اهل حق چه کسانی و نه باطل را تا بدانی پیروان آن چه مردمانند. (۵)

خرافه گرایی

یکی از مولفه‌هایی که میزان و عمق سلامت معنوی افراد جامعه را مشخص می‌کند میزان گرایش به خرافات است. وقتی انسان‌ها نتوانند ارتباط علی و معلولی بین پدیده‌ها را دریابند به عقاید باطل روی می‌آورند. در قرآن کریم در آیه ۱۰۲ سوره بقره به مسائل مختلف خرافی اشاره شده است (وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرُ سُلَيْمَانَ...) و پیروی کردند سخنانی را که (دیوان و) شیاطین در ملک سلیمان (به افسون و جادوگری) می‌خواندند، و هرگز سلیمان (با به کار بردن سحر به خدا) کافر نگشت (۴) از آیه شریفه بر می‌آید که سحر در میان یهودیان امری متداول بوده و (یهودیان) آن را به سلیمان نسبت می‌دادند چون این طور می‌پنداشتند

یابد خرافه‌گرایی کاهش یافته، آرامش بیشتری همراه با معنویت در انسان دیده می‌شود.

۲-۵. خودشیفتگی

نارسیسوس شخصیتی در اسطوره‌های یونانی است که عاشق تصویر خود در آب گردید و برای رسیدن به آن غرق شد. اکنون عنوان خودشیفتگی برای عشق به خود یعنی دیدگاه اغراق آمیز در مورد فضایل یا موفقیت‌های خود بکار می‌رود. اختلال شخصیت خودشیفتگی (NPD) یکی از چندین اختلال شخصیت است که با تمرکز بیش از حد به خود شناخته می‌شود و عواقب ناسالمی برای اطرافیان دارد. افراد مبتلا به NPD نشانه‌هایی از خودبزرگ بینی، عدم همدلی، احساس اغراق در اهمیت خود و نیاز بیش از حد به توجه و تحسین را نشان می‌دهند. آن‌ها همچنین بر قدرت، موفقیت و ویژگی‌های بیرونی مانند ظاهر تثبیت شده‌اند. آن‌ها ممکن است غالباً از دیگران برای منافع شخصی سوء استفاده کنند و انتظار دارند که از همه افراد پیرامونشان رفتارهای برتر دیده شود.

خودشیفتگان به دو روش اصلی رفتار می‌کنند: آن‌ها به دنبال تعارف و توجه دیگران هستند و عصبانیت و درد درونی خود را به اطرافیان خود تحمیل می‌کنند. خودشیفتگان علی‌رغم ظاهر محکم خود، بسیار آسیب پذیر، ناتوان و ضعیف هستند. آن‌ها می‌ترسند که به عنوان کلاهبرداری با عزت نفس پایین شناخته شوند، و تلاش زیادی را برای پیشبرد تصویر جعلی خود و مسدود کردن بازخورد منفی انجام می‌دهند. این مکانیسم منجر به تکبر و رفتار انتقادی و تحقیرآمیز می‌شود. آن‌ها کاستی‌های خود را بر روی دیگران بازتاب می‌کنند و به دیگران وابسته هستند تا دائماً احساسات خود را تأمین کنند. در واقع آن‌ها برای پر کردن خلا، درونی خود به سمت افرادی که از نظر عاطفی احساساتی هستند، جذب می‌شوند. یک خودشیفته فاقد احساس مسئولیت در برابر رفتارهای منفی خود است و دیگران را سرزنش می‌کند تا درد و عصبانیت خود را به عوامل بیرونی نسبت دهد. خودشیفتگان به شدت فاقد حس فروتنی هستند و قادر به پذیرش سرزنش یا پذیرش تقصیرات خود نیستند. خودشیفتگان می‌توانند به طرز چشمگیری بین حالات شادی، سرخوشی و افسردگی و عصبانیت در تزلزل باشند. برقراری یک رابطه قابل اعتماد با یک خودشیفته دشوار است، زیرا اغلب آن‌ها دروغگو هستند. خودشیفتگان گرایش به پرخاشگری دارند، خواه از نظر جسمی، کلامی، روابط زناشویی و دیگر موارد. خودشیفتگان نسبت به انتقاد بسیار حساسند و با کوچکترین موردی عصبانی می‌شوند. آن‌ها سریع قضاوت می‌کنند و از دیگران انتقاد می‌کنند.

مطالعه نهج البلاغه نشان می‌دهد که افراد با شخصیت‌های خودشیفته، باعث آسیب‌های فراوان مادی و معنوی برای دیگران می‌گردند و امام علی علیه السلام بارها ایشان را از این گونه رفتارها بر حذر داشته است. ویژگی‌هایی چون پوشاندن حقیقت از مردم، خودمحوری، خودبرتربینی، تحقیر دیگران، اشتباه کاری و آشفته گویی، پیمان شکنی (۵) که با ملاک‌های تشخیصی اختلال شخصیت خودشیفته در DSM-IV (۱۴) نتیجه جالب توجهی را به همراه دارد. احساس خودبزرگ بینی، اشتغال ذهنی با تخیلات موفقیت، قدرت و... آرمانی، اعتقاد به استثنایی بودن خود، نیازمند تمجید افراطی، احساس شایستگی و استحقاق غیر واقعی، بهره‌کشی

که سلیمان آن سلطنت و ملک عجیب را و آن تسخیر جن و انس و وحش و طیر را و آن کارهای عجیب و غریب و خوارقی که می‌کرد به وسیله سحر کرد (۹) حضرت امیر (ع) برای مشخص کردن حدود خرافه از واقعیت، مردم را به مشاهدات عینی حواله می‌کند. در بیان شگفتی‌های طاووس پس از ذکر ویژگی‌های آن، می‌فرماید: "أَحْيَلِك مِنْ ذَلِكَ عَلَى مُعَايَنَةٍ لَا كَمَنْ يُحِيلُ عَلَى ضَعِيفٍ إِسْنَادَهُ" این داستان که تو را گویم داستانی است از روی دیدن نه چون کسی که روایت کند بر اساس حدیثی ضعیف شنیدن. (۵)

جزیره‌العرب نیز مانند همه‌ی دیگر در خرافات غوطه می‌خورد و بر اثر جهل به عقاید عجیب و نامعقولی پایبند بود و تشریفات خاصی به دنبال همان عقاید انجام می‌داد. بر اثر عدم درک صحیح سنخیت و تناسب مابین علت و معلول، ضعف اندیشه و ناتوانی در تحلیل پدیده‌ها، خرافات و موهوماتی را باور داشتند. حضرت علی علیه‌السلام در توصیف وضعیت علمی اعراب جاهلی در خطبه ۳۳ می‌فرماید: "لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا" از عرب کسی کتابی نخوانده بود. (۵) محتویات اشعار جاهلی که بیان‌گر افق دید اعراب است از حقایقی مانند ارزش‌های انسانی و حیات و شئون آن و عالم هستی و مبادی و غایات آن و محبوبیت نگرش علمی به اجزاء و روابط جهان هستی و... اثری دیده نمی‌شود. (۱۱) عدم اتصال به منبع وحی و علم زمینه‌ی گرایش به خرافات بیشتر می‌شود، خرافاتی که در عصر کنونی نیز نشانه‌هایی از آن باقی است و دامن انسان متمدن و توسعه یافته‌ی امروز را به خود آلوده است که به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده می‌کنیم. اعتقاد به عیافه یعنی فال زدن از روی حرکات پرندگان که اگر به سمت راست می‌رفت فال خودش می‌زدند و اگر به سمت چپ می‌رفت شوم می‌پنداشتند. جاحظ می‌گوید: تطییر در اصل از طیراست که راست یا چپ رود، تنش را نخارد یا پر خود را بکند، حتی از مشاهده آدم یا حیوان لوچ یا حیوان شاخ شکسته و دم‌بریده پیشگویی کرده فال بد می‌زدند. (۱۲) از آنجا که معتقد به سرنوشت لایتغیر و دخالت ارواح شریر بودند به کهنات و عرافه توسل می‌جستند. کاهنان مدعی بودند که از آینده خبر می‌دهند و حوادث آینده را با وسایل پیش‌بینی می‌کنند. در چنین فضایی که سطح علم محوری و عقل و دین‌گرایی افراد جامعه پایین و گرایش به خرافات و تقلید کورکورانه بالا باشد بطور قطع انسان‌های متکبر سودجو و منفعت‌طلبی پیدا می‌شوند که برای دستیابی به منافعشان انسان‌ها را گمراه می‌کنند و به قهقرا می‌کشاند. یکی از این روش‌های سودجویی، پدیده استعمار است که اصولاً در حوزه سیاست و اغلب در میان سیاست‌مداران واقع می‌شود و رواج خرافه‌گرایی دست‌مایه مناسبی برای سودجویان خواهد بود. پنهان کردن حقیقت به منظور دست یافتن به منافع و مصالح شخصی یا حزبی. قرآن کریم کرامت انسان و پاسداری از شخصیت او را ارج می‌نهد و تحمیق و استعمار را از زندگی بشر نفی می‌کند، قرآن تقلید کورکورانه را نه تنها از عالمان دین بلکه از پدران و نیاکان و به تعبیر دیگر سنت‌های قبیله‌ای و قومی ناروا می‌داند. این بدان معناست که هر آن چه بیرون از دایره خردورزی و آگاهی باشد با کرامت انسان ناهمخوان است و باید از زندگی انسان زدوده شود. (۱۳) هر چه سلامت معنوی در جامعه افزایش

دچار می‌شود و این مسئله بر اندوه و ناراحتی و بالاخره افسردگی انسان می‌افزاید و درجه‌ی رضایت از زندگی را کاهش می‌دهند کسی که دنبال آرزوهای طولانی است و همواره لذت را در چیزی می‌پندارند که ندارند و به همین خاطر از آنچه برخوردار است لذت نمی‌برند و بهره‌مند نمی‌شوند معمولاً این افراد همیشه نالان و ناراضی‌اند، ریشه این ناهنجاری را باید در ضعف شناخت جستجو کرد، آرزوهای طولانی مسئله‌ای برخلاف واقعیت زندگی و دست یافتن بدان محال است بنابراین اصلاح باورها و شناخت و تحلیل درست واقعیت‌ها، راه حل این ناهنجاری است. واقعیت این است که عمر انسان‌ها در این دنیا مدت محدودی است و توانایی انسان‌ها در رسیدن به آرزوهایشان بسیار محدود است.

پرخاشگری

یکی از موانع سلامت معنوی پرخاشگری است. پرخاشگری به عنوان یک رفتار اجتماعی از نظر روان‌شناسان و روان‌کاوان مورد توجه قرار گرفته است. از نظر آنان می‌توان دو علت اصلی برای این پدیده و رفتار بیان کرد. برخی آن را برخاسته از تمایلات ذاتی انسان و برخی دیگر ریشه آن را اجتماعی دانسته‌اند. گروه نخست بر این باور است که پرخاشگری در انسان ذاتی و غریزی است و به عنوان یک نیاز طبیعی می‌بایست پذیرفته و در حد نیاز ارضا شود و به نوعی نیز کنترل و مهار گردد. این دیدگاه، احتمال تغییر را هیچ و یا بسیار ضعیف و کم دانسته و روش‌های اخلاقی و یا قانونی را برای بازسازی رفتار نه تنها نادرست بلکه ضدانسانی تلقی می‌کند؛ زیرا موجب می‌شود تا بخشی از غریزه انسانی سرکوب شود که در نتیجه آن آثار و پیامدهایی را در شخصیت فردی و جمعی به جا خواهد گذاشت. به این معنا که سرکوب غریزه نه تنها نادرست بلکه باعث سرباز شدن آن از جاهای دیگر و در نتیجه تخریب خطرناک‌تر می‌شود. سرباز کردن یک زخم و عفونت سرخوردگی به مراتب بیشتر از آزاد گذاشتن و پذیرش تاثیرات طبیعی است.

در مقابل این گروه، برخی از روان‌شناسان، پرخاشگری را نه امری فطری و غریزی و یا ذاتی بلکه متأثر از عوامل اجتماعی دانسته و قابل بازسازی از طریق روش‌های اخلاقی و قانونی دانسته و بر تغییر آن پافشاری و اصرار دارند؛ از این رو آنان پدیده درگیری و جنگ در انسان‌ها را نتیجه اجتماعی شدن آنان قلمداد می‌کنند. پرخاشگری به معنای رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به کسی یا چیزی انجام شود. البته پرخاشگری همیشه محدود به حمله مستقیم از سوی یک شخص بکار نمی‌رود در بعضی موارد شامل کاربرد سلاح‌های مدرن علیه کسی یا گروهی می‌شود و در آسیب رساندن شامل آزارهای روانی نظیر تحقیر، توهین، فحاشی هم می‌شود. امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ به مالک اشتر، به طور کلی پرخاشگری و برخورد خستونت آمیز با مردم را نفی می‌کند و به ویژه از خونریزی ناحق بر حذر می‌دارد: «إِيَّاكَ وَالْذَّمَّاءَ وَ سَفْكَهَا بَعِيْرَ حِلْهًا فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمَةٍ وَلَا أَعْظَمَ تَبَعَةً وَلَا آخِرَى بَزْوَالٍ نِعْمَةً وَ انْقِطَاعَ مُدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الذَّمَّاءِ بِعِيْرِ حَقِّهَا» پرهیز از خون‌ها و ریختن آن به ناروا که چیزی چون ریختن خون به ناحق آدمی را به کیفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد و رشته عمر را نبرد. (۵) آموزه‌های اسلام، آموزه‌های کنترل،

ظالمانه از دیگران در روابط بین فردی، فاقد هم‌حسی با دیگران، حسادت، نگرش یا رفتارهای خودخواهانه و پر نخوت. اگر چه افرادی که دارای بخشی از این ویژگی‌ها باشند خودشیفته هستند.

خودشیفتگی یکی از بسترهای مهم بیماری روانی است و در مذمت آن همین بس که امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۴۶ فرمود: «سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ، خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ» گناهی که تو را زشت نماید نزد خدا، بهتر است از کار نیکویی که پسندت آید. (۵)؛ این از آن روست انسان معصیت کاری که از عمل زشت خود ناراحت می‌شود به سوی پشیمانی و توبه و جبران آن گام بر می‌دارد، حال آنکه، آن کس که از کار نیک خود مغرور می‌شود گامی به سوی ریاکاری بر می‌دارد.

آرزوهای دراز

زندگی پویا و پویایی زندگی به این است که انسان نگاه به آینده داشته باشد و آنچه که به زندگی پویایی و تحرک می‌دهد «امید» است، نقش امید و ناامیدی در جریان زندگی کاملاً مشهود است و نیز گفتمان درونی انسان امیدوار و ناامید کاملاً روشن است. انسان‌های ناامید از زندگی تلخ، سرد و بی روح، تاریک و زجر آور رنج می‌برند اما در نقطه مقابل انسان‌های امیدوار از زندگی سرشار از نشاط، تحرک و پویایی برخوردارند و از زندگی خود لذت می‌برند. اما هر چیزی حدی دارد و افراط و تفریط در هر امری ناپسند است. جنبه تفریط که ناامیدی است اما افراط در این خصوص به آرزوهای بزرگ و دور و دراز می‌انجامد آرزوهای دور و دراز یعنی آرزوهایی که از اندازه عمر انسان تجاوز می‌کند.

آرزو که می‌توانست موتور حرکت انسان به سوی آینده باشد به عاملی جهت رکود و نارضایتی تبدیل می‌شود، به دست نیابردن خواسته‌ها و تحقق نیافتن آرزوها موجب احساس ناکامی می‌گردد و احساس ناکامی از عوامل نارضایتی از زندگی و بیماری‌های روحی روانی خواهد شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید «حاصل المنی الاسف و ثمرته التلّف» نتیجه آرزو، افسوس خوردن و ثمره آن تلاف شدن است (۱۵) «وَأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّ أَحْوَفُ مَا أَحَافَ عَلَيْكُمْ أَتُنَانُ اتِّبَاعِ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ» ای مردم همانا بر شما از دو چیز بیشتر می‌ترسم: از خواهش نفس پیروی کردن و آرزوی دراز در سر پروردن. (۵) از سویی آنچه که امید را شیرین و زندگی را با نشاط می‌کند پایان خوش آن است اما اگر از پایان خوش خبری نباشد بسیار تلخ و آزار دهنده خواهد بود و انتظار در آرزوهای دور و دراز از این گونه بشمار می‌رود. نکته مهم در آرزوهای دراز دست نیافتنی بودن آن است. دنیا در آموزه‌های دینی فریبنده معرفی شده است و علاقمندان به خود را دچار محرومیت می‌سازد به تعبیر امام علی علیه السلام «لِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَةٌ حَضْرَةٌ تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَزِينُ لَهُمْ بَعَاجِلَهَا وَ أَيْمُ اللَّهِ أَنَّهُا لَتَغُرَّ مَنْ أَمَلَهَا وَ تَخْلِفُ مَنْ رَجَاَهَا» (۱۶) همانا دنیا شیرین و زیباست و مردم را با شهوات شیفته می‌سازد و با پدیده‌ها ظاهر سازی می‌کند. به خدا سوگند دنیا هر کس را که به آن آرزومند باشد فریب می‌دهد و هر کس را که به آن امید داشته باشد ناامید می‌سازد. ره آورد افراط در امید و آرزوهای دور و دراز، یاس و ناامیدی است. این نکته مهم است که هر چه بر میزان آرزوها افزوده شود انسان به زحمات و سختی‌های بیشتری

استبداد و خودکامگی منشأ تباهی‌های مختلف در جامعه و حکومت است. سیاستمداران مستبد و خودکامه، اندیشه و اندیشه‌ورزی را به بند می‌کشند، باب نقد و انتقاد را می‌بندند و هر ناروایی را بر خود روا می‌دارند و این گونه همه چیز را به انحطاط می‌کشانند. در اندیشه سیاسی امام علی (ع) استبداد و خودکامگی مایه زوال و نابودی است. (۱۷).

«الاستبدادُ برأیکَ یُزُلُّکَ وَ یُهَوِّرُکَ فی المَهَاوی.» خودکامگی تو را می‌لغزاند و در هلاکت گاه فرو می‌اندازد. (۱۵)

در منظر امام علی (ع) خودکامگی به منزله اعلام جنگ با خداست؛ و از این رو ذره‌ای آن را تحمل نمی‌نمود و هر جا و از جانب هر کس اندکی خودکامگی ظهور می‌نمود به قلع و قمع آن همت می‌گماشت. (۱۸) امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر دیدگاه خود را در این باره بیان کرده و چنین هشدار داده است:

مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده، و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است. هرگز با خدا مستیز، که تو را از کیفر او نجاتی نیست، و از بخشش و رحمت او بی‌نیاز نخواهی بود. بر بخشش دیگران پشیمان مباش، و از کیفر کردن شادی ممکن، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش. (۵)

استبداد و خودکامگی از انسان ابلسی گردن‌فراز و گردن‌کش سر بر می‌آورد. انسان در مصدر قدرت بیشتر از هر کس در معرض چنین خطری است، خطر سقوط به برهوت خودکامگی و درنده‌خویی. در این دنیا ناتوان‌ترین حیوان، آن انسان نمایی است که معنای قدرت را نشناسد و قدرت را وسیله تورم و خودکامگی و استبداد خود تلقی نماید، و همه اصول و حقایق، و در رأس همه آن‌ها شخصیت خود را پایمال سازد. (۱۹) همچنین حضرت علی (ع) در حکمت ۲۱۶ می‌فرماید: هر که به خواسته‌هایش رسد، گردن‌فرازی کند. (۵) قدرت و بی‌نیازی در هر حد و مرتبه‌ای از قدرت اثر مخرب خود را دارد. حکومتی که با زور و بدون توافق مردم بر سر کار بیاید، چون وامدار کسی نیست از ابتدا احساس بی‌نیازی کرده و طغیان می‌کند. کسی که سلامت معنوی داشته باشد جهان را منسجم و متعالی می‌بیند و در خود و هواهای نفسانی اش گرفتار نمی‌شود.

تحدید آزادی‌ها و نقض حقوق مخالفان

در اسلام حق آزادی در حد حق حیات از اهمیت برخوردار است. ظهور کامل آزادی در عزم و اراده و تسلط کامل در افعال است، همانگونه که گفته شد مفهوم سیاسی و اجتماعی آزادی، یعنی قدرت بر تصرف و تعیین سرنوشت و آزادی بیان و اندیشه و عقیده و...، تا زمانی است که ضرر بر دیگران وارد نکند، یا انجام عملی که به زیان دیگران تمام نشود. از آنجا که انسان آزاد آفریده شده، لذا نباید

هدایت، مهار و تعدیل‌گر هستند؛ یعنی به انسان در سه حوزه عقاید، اخلاق و عبادیات (نمادهای تعدیل‌گر در حوزه عمل) کمک می‌کنند تا افزون بر شناخت خود و هستی، مهار و هدایت قوای نفسانی را در اختیار گرفته و غرایز را بر پایه آموزه‌های وحیانی تعدیل کند و در مسیر تکاملی درست قرار دهد. خشونت و پرخاشگری به معنای خروج از دایره اعتدال، امری ناپسند است که ریشه آن می‌تواند خواسته‌های افراطی و دنیاگرایی یعنی همان هواهای نفسانی باشد. (۴) همین هواهای نفسانی، انسان را به سمت و سوی جنگ و خشونت سوق می‌دهد. (۴)

بنابراین، برای درمان پرخاشگری می‌بایست افراد را به سوی عقل‌گرایی و اعتدال سوق داد و به گونه‌ای عمل کرد که شخص بتواند قوای شهوانی و غضبی خود را تحت کنترل درآورد. تقویت صبر و افزایش سطح آستانه تحمل، می‌تواند مهم‌ترین عامل در کاهش پرخاشگری باشد. از آنجا که بی‌صبری علل و عوامل متعددی دارد که از مهم‌ترین آنها عدم شناخت است، شناخت می‌تواند در کاهش پرخاشگری و افزایش آستانه تحمل افراد مفید باشد. ریشه بسیاری از پرخاشگری‌ها، خروج از اعتدال و مدیریت عقل است. اما باید توجه داشت که عوامل دیگری چون بی‌حوصلگی، کم‌ظرفیتی، ضعف و ناتوانی مزاج، عدم اعتماد به نفس و خودکم‌بینی، حساسیت‌های افراطی، منفی‌بافی و بدگمانی، همانند سازی و تقلید از دیگران و مانند آن نیز می‌تواند نقش مهمی در پرخاشگری داشته باشد. بنابراین لازم است با ریشه‌یابی علل و عوامل پرخاشگری در فرد به راه‌های درمان آن پرداخت. در اسلام برای مدیریت قوه غضب و خشم و تحت کنترل در آوردن آن و حاکمیت عقل و اعتدال، راه‌های چندی بیان شده است. از جمله این راهکارها، تقویت باورها و ایمان شخص به ربوبیت و حکمت و قدرت الهی، بیان اذکار خاص برای تقویت این روحیه است؛ چرا که ذکر الهی آرامش بخش و اطمینان بخش است. (۴) و همچنین اعمالی چون روزه گرفتن (۴) و مانند آن است و نیز بیان اذکاری چون استغفرالله ربی و اتوب الیه، لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و خواندن سوره‌های معوذتین (ناس و فلق) می‌تواند در افزایش صبر و آستانه تحمل و رهایی از خشونت و پرخاشگری موثر باشد. البته لازم به ذکر است که بیان اذکار زمانی تاثیر کافی خواهد گذاشت که تقویت باور و کنترل درونی به‌طور همزمان اتفاق افتد.

استبداد و خودکامگی

قدرت بستر مهیاسازی استبداد و خودکامگی است و چنان‌چه انسان فارغ از اخلاق به قدرت برسد و قدرتش مهار نشود، در هر مرتبه‌ای که باشد، دست به استبداد و خودکامگی می‌زند. خودکامگی نمود حاکمیت حیوانیت در آدمی است. آن که در اسارت ذلت حیوانیت قرار می‌گیرد، این ذلت را به صورت خودکامگی و تجبر و در قلب گردن‌فرازی و گردن‌کشی در تصمیم‌گیری و در سلوک و رفتار خویش نشان می‌دهد، که این هلاکتی سخت برای آدمی و جامعه انسانی است. (۱۷) به تعبیر امیر مؤمنان علی (ع) در حکمت ۱۶۱ : "مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَکَ" هر که خود رأی گردید به هلاکت رسید. (۵)

رب او نیست، که اگر چنین تصویری پیدا شود، بی تردید سلامت معنوی و معنویت دچار آسیب جدی می شود. برخی برای آن که انسان ها دچار دوری از معنویت نشوند آنان را از آزادی مناسب و مشروع باز ندارند که حتی اگر کسی با فشار قدرت و حکومت به معنویت هم توجه نماید ارزش بالایی ندارد.

نتیجه گیری

مطالعه حاضر نشان داد که لغزش گاههای سلامت معنوی در کلام حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را می توان، به عنوان الگوی کامل زندگی سالم معنوی، برای آسیب شناسی سلامت معنوی برای اصلاح بشریت استفاده نمود. و نشان داد که خودکامگی و استبداد، خرافه گرایی، ظاهرپرستی و زهدفروشی، پرخاشگری، خودشیفتگی، تملق و چاپلوسی، تکبر و خودخواهی، از مولفه های لغزش-گاههای سلامت معنوی بشمار می روند و برای برون رفت از این مشکلات می توان با تکیه بر آموزه های دینی و ثبات قدم و استواری در ایمان و توکل بر حضرت حق تعالی و تلاش مستمر و پرهیز از دنیاگرایی، رشد آگاهی های اجتماعی، از خطرها و گردنه های سخت به آسانی گذشت.

تشکر و قدردانی

این مقاله طرح مآخوذ از رساله دکتری در دانشگاه پیام نور می باشد که از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه و همه افرادی که در انجام این مطالعه یاری رساندند بسیار سپاسگزاری می شود.

References

1. Fayumi Ahmad bin Muhammad, 1987 Al-Misbah Al-Munir, Beirut, Lebanese School
2. Khansari Jamaluddin Mohammad, 2008, Sharh Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam, Tehran, Tehran University Press, vol. 5, p. 19 and vol. 3, p. 101
3. Hafiz Fooladvand ,2018. An Introduction to the Problem of Social Deviations in Nahj al-Balaghah. Third edition. Tehran, Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute
4. The Holy Quran , Translated by : Mohammad The Holy Quran ,2018. Translated by Mohammad Mehdi, Fooladvand. Qom. Publisher of the Office of Islamic History and Knowledge
5. Nahj al-Balaghah, 2000. Collected by Seyed Razi. Translated by Seyed Jafar, Shahidi. Tehran. Jahardeg Printing, Scientific and Cultural Publishing Company.

برده و اسیر دیگران باشد، و درمقابل هیچ کس، جز آفریننده ای که حیات را به او عطا کرده نباید بندگی کند. عبودیت و بندگی او فقط در مقابل خداوند، شایسته انسانیت اوست. که این امر نیز بر اساس فطرت او تنظیم شده است. عبودیت دیگران و بندگی هوای نفس و تسلیم پذیری مطلق العنان در مقابل حاکمان، خلاف مسیر فطرت انسانی است. (۱۳) از جمله حقوق مردمان در عرصه ی سیاسی این است که نه تنها در تعیین سرنوشت سیاسی خود، و انتخاب زمامدار آزاد باشند، بلکه در رأی دادن یا ندادن، در بیعت کردن یا نکردن- نیز به طور کامل آزاد باشند، و هیچ گونه تهدید و فشاری، و تطمیع و اجباری بر آنان اعمال نشود. امیر مؤمنان علی (ع) در سیاست خود چنین حرمت مردمان را پاس داشت و هنگامی که مردمان، خود سرنوشت سیاسی خویش را رقم زدند و او را برگزیدند، اجازه نداد هیچ گونه خللی در آزادی آنان برای بیعت با وی راه یابد؛ (۱۷) و در این باره در نامه اول فرمود: مردمان با من بیعت کردند بدون اکراه و اجبار، بلکه فرمانبردار و آزادانه و با میل و اختیار (۵). از این رو روشن می شود که گرفتار شدن در امیال و آرزوها از دیدگاه قرآن، مانع مهمی در فرا روی آزادی انسان به جهت گام نهادن در وادی ایمان و آزادی حقیقی و سلامت معنوی تلقی می گردد.

از حقوق اساسی مردمان در عرصه ی سیاسی این است که بتوانند آزادانه در امور نظر دهند، انتقاد کنند، اعتراض نمایند و دادخواهی کنند، و بدین کارها، تهدید نشوند، حرمت و حیثیت شان آسیب نبیند، و گرفتار پیامدهای منفی، بدین سبب نشوند. امیر مؤمنان علی (ع) مردمان را چنان صاحب حق می دید و آن قدر پاسداشت حقوق-شان نزد او محترم بود که فضای نظر دادن، انتقاد کردن، اعتراض نمودن و دادخواهی کردن را به طور کامل باز نگه داشت و اجازه نداد با هیچ توجیهی این فضا سد گردد و بسته شود؛ بلکه آن حضرت با تأکید و به اصرار از مردمان می خواست که آزادانه در امور نظر دهند، انتقاد کنند، اعتراض نمایند و دادخواهی کنند، (۱۷) چنان-که در خطبه ی ۲۱۶، که به بیان حقوق متقابل مردمان و زمامداران پرداخته، به مردمان چنین آموخته است: پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می گویند، حرف نزنید، و چنان که از آدم های خشمگین کناره می گیرند دوری نجوید، و با ظاهر سازی با من رفتار نکنید، و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود پس، از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی دانم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید. پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست. (۵)

امام (ع) مردمان را آگاه می سازد که در جامعه ای که نتوان به راحتی و بی نگرانی نظر داد و انتقاد کرد، حق و عدالتی بر پا نمی شود، و لازمه گام نهادن در مسیر حق و بر پا داشتن عدالت، این است که فضای سیاسی این گونه باز باشد. امام (ع) تأکید می کند که هیچ زمامداری را در جایگاه ربوبی ننشانید و او را مالک خود ندانید، و خود نیز در چنین جایگاهی منشینید، که هیچ کس مالک دیگری و

18. Delshad Tehrani Mostafa, 2011, thematic interpretation of Nahj al-Balaghah, Qom, Maaref, 15th edition. p462
19. Jafari, Mohammad Taghi, 1379, The Wisdom of the Political Principles of Islam, Tehran, Nahj al-Balagheh Foundation, p202
6. Yadollahpour, Behrooz (Mohammad Hadi), The course of reforms in the Alavi government, (Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Journal of Knowledge No. 102, No. 3, 2006: 74-91)
7. Ragheb Isfahani Abi Al-Qasim Hussein Ibn Mohammad, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Tehran, Book Publishing Office, second edition 1979 AH
8. Mustafavi Hassan, ,Research in the words of the Qur'an, Tehran, Ministry of Islamic Guidance, first edition 1995 AH.
9. Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein. 1996. Balance in the interpretation of the Qur'an. Qom. Islamic Publications Office of the Teachers Association. The tenth edition.
10. Dastghib Abdolhossein: 1986, Ghalb Saleem, Tehran, Hatef, pp. 563-564)
11. Jafari, Mohammad Taghi, 1997, translation and interpretation of Nahj al-Balaghah, seventh edition, Tehran, Islamic Culture Publishing Office.
12. Zeif, Shoghi, 2002, Arabic Literary History, translated by Ali Reza Zakavati Qaragazloo Third Edition, Tehran: Amirkabir,
13. Yadollahpour Behrooz (Mohammad Hadi) 2012, Human Dignity in the Quran, Qom: Religions Publishing
14. Benjamin James Zadok, Virginia. Sadok,3-Volume Summary of Kaplan and Zadok Psychiatry: Based on the DSM-5, 2021,Mehdi Ganji (translator), Hamzeh Ganji (editor), Savalan, Tehran
15. Amadi, Abdul Wahed Tamimi,2000, Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam, (Translator: Seyyed Hashem Rasooli Mahallati), Islamic Culture Publishing Office, Tehran, Second Edition.
16. Kolini Mohammad Ibn Yaqub, Al-Kafi, 1986, Tehran, Islamic Library ,vol 8 , p 256
17. Delshad Tehrani Mostafa, 2012, Rokhsareh Khorshid, (Sira of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagheh), Tehran, Darya